

بررسی تطبیقی خلأهای واژگانی در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی عهدنامه مالک اشتر
بنابر الگوی نظری پیتر نیومارک «مطالعه موردی طاهره صفارزاده»

محمد حسن تقیه* / الهام خجسته** / فرانک ناجی***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

چکیده

یکی از مهم‌ترین چالش‌های ترجمه متون دینی و ادبی، پرکردن خلأهای واژگانی در زبان مقصد است. نهج البلاغه حضرت علی (علیه السلام) نمونه بارز این گونه متون است. بی‌گمان موضوع خلأهای واژگانی در پی عناصر فرهنگی پدید آمده، و لازم و ملزوم یکدیگرند. پژوهش حاضر به‌عنوان یکی از معدود پژوهش‌های علمی دو زبانه‌ای به نقاط ضعف و قوت استاد طاهره صفارزاده، مترجم فارسی و انگلیسی عهدنامه مالک اشتر بر اساس الگوی نظری پیتر نیومارک می‌پردازد. هم‌چنان‌که در پی کاستن ضعف‌های ترجمه و تقویت مترجمان متون دینی و ادبی برای پرکردن خلأهای واژگانی است. هرچند ترجمه کتاب نهج البلاغه به زبان فارسی پیشینه دیرینه‌ای دارد اما به‌نظر می‌رسد نقد هم‌زمانی چندزبانی ترجمه‌های این اثر ارزشمند، کمتر مورد توجه منتقدان ترجمه قرار گرفته است. به‌همین دلیل، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی سعی دارد تا تفاوت رویکرد مترجم در ترجمه دو زبان، با دو فرهنگ متفاوت را نشان دهد. نتایج این تحقیق، گویای آن است که پرسامدترین روش ترجمه به‌زبان فارسی، تکنیک دگرنویسی با بسامد ۱۵٪، و کم‌بسامدترین آن تکنیک توضیحات با بسامد ۳۵٪/۰ است. هم‌چنان‌که پرسامدترین روش ترجمه به‌زبان انگلیسی تکنیک دگرنویسی با بسامد ۳۲٪/۴۴ و کم‌بسامدترین آن تکنیک توضیحات با بسامد ۳۸٪/۰ است.

mhtaqiye@gmail.com

*. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور ایران، تهران (نویسنده مسؤل).

elhamkhojaste65@gmail.com

**. کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه پیام نور ایران، تهران.

mhtaqiye@yahoo.com

***. کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، ایران، تهران.

واژگان کلیدی

نهج البلاغه، ترجمه فارسی، ترجمه انگلیسی، عهدنامه مالک اشتر، خلأ واژگانی، راهبردهای ترجمه نیومارک.

۱ - مقدمه

امروزه، ترجمه نقش به‌سزایی در ارتباطات، به‌ویژه داده‌های فرهنگی مردم دنیا با یکدیگر و تعبیر باورهایشان ایفا کرده، و فاصله‌های زبانی و فرهنگی دهکده جهانی را به هم نزدیک‌تر می‌نماید. در این میان نهج البلاغه، جامع‌ترین کتاب پس از قرآن کریم، برای راهنمای انسان در همه ابعاد زندگی بشر به‌شمار می‌آید. هیچ‌گونه تردیدی در اهمیت و ضرورت آشنایی جهانیان با آن نیست. از این رو ترجمه این اثر فاخر می‌تواند نقش به‌سزایی در انتقال کلام حضرت علی (علیه السلام) به جهانیان داشته باشد.

مترجمان بی‌شماری تاکنون نهج البلاغه را به زبان‌های گوناگون ترجمه کرده، و می‌کنند. البته هر کدام رویکرد خاص خود را دارد. در این میان برخی مترجمان صورت‌گرایانه عمل داشته که این موضوع، موجب ایجاد فاصله میان محتوای زبان مبدأ و ترجمه‌های نهج البلاغه می‌شود. یکی از محورهای قابل بررسی در این زمینه، نقد ترجمه است که می‌توان آن را مهم‌ترین جلوه پیوند نظریه و عمل ترجمه دانست. نقد ترجمه، معیارها و ملاک‌هایی دارد که میان آنها و زبان، ادبیات، فرهنگ، و دانش‌های گوناگون بشری رابطه معناداری هست.

مترجمان هنگام ترجمه نباید فقط به دنبال انتقال معنای کلمات و صورت و ساختار جمله‌ها از زبان مبدأ به زبان مقصد باشند. زیرا گاهی در فرآیند ترجمه به کاستی‌های واژگانی در زبان مقصد می‌رسد که بایستی برای آن هم چاره‌ای بیاندیشد. «ترجمه، تنها گذر از یک زبان به زبان دیگر نیست؛ بلکه میان دو فرهنگ یا مجموعه‌ای از دانش‌هاست. مترجم علاوه بر قواعد زبان‌شناختی، به عناصر فرهنگی نیز توجه دارد.» (Eco, 2006: 190) در حقیقت پژوهش‌گر در این مقاله بر آن است تا رویکرد مترجم در چگونگی ایجاد تعادل واژگانی میان متن زبان‌های مبدأ و مقصد را ارزیابی کند.

۱-۱ - بیان مسأله

سخنان گهربار حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه سرشار از استعاره و کنایات و تشبیهات و عناصر فرهنگی و فرهنگ سیاسی و مدیریتی و ... است که هنگام ترجمه این موارد، مترجمان باید با برگردان حرفه‌ای و انتقال درست آن به زبان مقصد اهتمام جدی بورزند. مترجمان متون دینی و ادبی نسبت به دیگر مترجمان در شرایط بسیار آسیب‌پذیرتری هستند. زیرا به دلالتی گوناگون مانند وحیانی بودن،



باور عقیدتی مردم، صور خیال، ویژگی‌های زبانی و غیره امانت‌داری در ترجمه، کامل و دقیق و حتی حداکثری انجام نمی‌گیرد. از این رو با محدودیت‌های بی‌شماری در پرکردن خالاهای واژگانی دارند.

مترجمان متون دینی و ادبی به زبان‌های دیگر و با فرهنگ‌های متفاوت، با چالش‌ها و مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند. بنا بر این رویکردشان در پرکردن خالاهای واژگانی متفاوت است. این موضوع به روشنی اهمیت این پژوهش را در ترجمه‌های نهج البلاغه به دیگر زبان‌ها و نیز در مطالعات ترجمه به‌خوبی نشان می‌دهد. زیرا مترجمان این‌گونه متون در شرایط بسیار آسیب‌پذیرتری نسبت به مترجمان دیگر متون قرار دارند. زیرا در فرآیند ترجمه، ویژگی‌های زبانی به‌طور کامل منتقل نمی‌شوند.

مترجمان متون دینی و ادبی محدودیت‌های بی‌شماری برای پرکردن خالاهای واژگانی به زبان مقصد دارند. بنابراین پژوهش‌گر سعی دارد تا کاربردهای به‌کارگرفته شده توسط مترجم مشترک در دو زبان فارسی و انگلیسی از عهدنامه مالک اشتر را نشان دهد. از این رو، این پژوهش می‌تواند راهکارهایی را برای مترجمان به زبان‌های فارسی و انگلیسی فراهم کند تا بتوانند راهبردهای مناسب را برای پرکردن خالاهای واژگانی به‌کار گیرند. به همین دلیل، پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده، در صدد آن است تا به بررسی تطبیقی ترجمه‌های مذکور بر اساس الگوی نظری پیتر نیومارک بپردازد.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

۱. با توجه به الگوی نیومارک، مترجم چگونه خالاهای واژگانی را در ترجمه عهدنامه مالک اشتر به زبان‌های فارسی و انگلیسی پر می‌کند؟

۲. تفاوت اصلی رویکرد مترجم و پرکردن خالاهای واژگانی در دو زبان فارسی و انگلیسی چیست؟

۲-۱- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری تاکنون درباره نقد و بررسی ترجمه‌های یک‌زبانه نهج البلاغه نگاشته شده‌است. ولی بنا بر یافته‌های نویسنده، چنین به‌نظر می‌رسد در حوزه موضوع نقد ترجمه یک اثر دوزبانه هم‌زمان، پژوهشی انجام نشده‌است. در این راستا برای اطلاع بیشتر می‌توان به آثار پژوهشی ذیل مراجعه کرد:

✓ رحیمی خویگانی، محمد (۱۳۹۸ش)، بررسی ترجمه کهن خطبه شقشقیه تصحیح عزیز الله جوینی از منظر الگوی نقد ترجمه نیومارک (۱۹۸۸م)، تهران، تربیت مدرس، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۶، ش ۱۲. نویسنده برای بررسی الگوی نقد ترجمه نیومارک تنها به نقد یک ترجمه بسنده می‌کند.

- ✓ رستمی اکرم و قائمی، مرتضی، (۱۳۹۷ش)، روش‌شناسی ترجمه کنایات در خطبه‌های نهج‌البلاغه براساس دیدگاه نیومارک (مطالعه تطبیقی ترجمه‌های آیتی، دشتی، شهیدی و مکارم، دانشگاه همدان، پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه — سال ۶، ش ۳۲. در این پژوهش، روش‌های ترجمه کنایه‌ها براساس دیدگاه نیومارک، چهار ترجمه فارسی موجود از نهج‌البلاغه را محور کار خود قرار داده‌اند.
- ✓ طاهری، احسان اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۳ش)، واکاوی ترجمه گرمارودی از نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر بر پایه راهکارهای هفت‌گانه وینه و داربلنه، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۵، ش ۹. در این پژوهش در دو بعد نظری و کاربردی، درآغاز به شرح مؤلفه‌های وینه و داربلنه پرداخته، سپس با روشی توصیفی — تحلیلی نمونه‌هایی از ترجمه فارسی موسوی گرمارودی از نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر را بر پایه روش‌های هفت‌گانه وینه و داربلنه، مورد بررسی قرار می‌دهد.
- ✓ کیادربندسری، فاطمه (۱۳۹۶ش)، چگونگی ترجمه‌پذیری عنصر فرهنگی «نهادها، آداب و رسوم، جریانات و مفاهیم» در ترجمه‌های عربی به فارسی با تکیه بر چارچوب نظری نیومارک، ادب عربی، ش ۲، صص ۷۲ — ۵۵. در این زمینه، نویسندگان این پژوهش بر آن شدند تا نقش عنصر فرهنگی را در ترجمه با تکیه بر چارچوب نظری نیومارک شاخص‌تر کنند.
- ✓ هاشمی‌مین‌آباد، حسن (۱۳۸۳ش)، فرهنگ در ترجمه و ترجمه عناصر فرهنگی، مطالعات ترجمه، ش ۵، صص ۴۹ — ۳۰. وی می‌گوید: در این گفتار به ترجمه و فرهنگ، و ترجمه عناصر فرهنگی می‌پردازیم. پس از ذکر مثال‌هایی، فرهنگ و واژگان فرهنگی را تعریف می‌کنیم و شرح می‌دهیم و بعد از آن به روش‌ها و شگردهای گوناگون ترجمه اقلام فرهنگی می‌پردازیم.
- ✓ یعقوبی، روح‌الله (۱۳۹۷ش)، بررسی خلأ واژگانی زبان فارسی معیار در مقایسه با برخی افعال مرکب و عبارات فعلی گویش موسی‌ریزی، ادبیات و زبان‌های محلی، ۳، صص ۱۲۶ — ۱۰۱. گویش موسی‌ریزی از گویش‌های جنوب خراسان رضوی است. این پژوهش به دنبال آن است تا دریابد زبان فارسی معیار در مقایسه با برخی افعال مرکب و پیشوندی موجود در گویش موسی‌ریزی تا چه میزان خلأ واژگانی دارد.

مترجمان متون دینی و ادبی با فرهنگ‌های متفاوت، با چالش‌ها و مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند. بنا بر این رویکردشان در پرکردن خالاهای واژگانی نیز متفاوت است. این موضوع به‌روشنی اهمیت این پژوهش را در ترجمه‌های نهج‌البلاغه به‌دیگر زبان‌ها و نیز در مطالعات ترجمه به‌خوبی نشان می‌دهد. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر آنجا مشخص می‌شود که پیتر نیومارک راهبردها و راهکارهایی را برای فائق آمدن بر این مشکلات ارائه می‌دهد. البته برای یافتن معادلی مناسب، و هم‌چنین پرکردن این خالاهای واژگانی هنگام ترجمه می‌توان به‌لایه‌های پنهان متن نهج‌البلاغه پی‌برد و با رویکردی جدید این متن ارزشمند را مطالعه، بررسی و به‌زبان‌های دیگر در دنیا ترجمه کرد. این مطالعه کمک می‌کند روش‌های ترجمه مناسب در انتقال پیام امام علی (علیه‌السلام) به‌مردم دنیا بهتر شناخته شود تا بتوان بیشتر به عمق پیام‌های آن حضرت دست یافت. بنا بر این بررسی ترجمه عهدنامه مالک اشتر، به‌زبان‌های فارسی و انگلیسی‌هایی بنا بر الگوی نیومارک می‌تواند درسی آموزنده و کارگاهی عملی برای مترجمان متون دینی در انتقال آنها به‌زبان‌های مقصد، برای خوانندگان در درک و فهم درست و دقیق این نامه فاخر باشد. بی‌گمان چنین پژوهش‌هایی می‌تواند نقشه راه مترجمان متون دینی و ادبی به‌زبان‌های گوناگون به‌ویژه عربی، فارسی و انگلیسی فراهم کند.

۲ - مبانی نظری پژوهش

۲-۱ - خالاهای واژگانی در ترجمه

بی‌گمان اختلاف فرهنگ و فقدان معادل فرهنگی در زبان مقصد منجر به‌پیدایش خالاهای واژگانی می‌شود. خالاهای واژگانی نمونه‌ای از فقدان واژه‌سازی یک مفهوم خاص در هنگام ترجمه به‌زبان گیرنده معرفی شده‌است. (Cviliikaite, 2006: 127) همان‌گونه که لیهریر به‌عنوان یک معناشناس، اظهار می‌دارد خالاً واژگانی، نبود یک کلمه هنگام ترجمه در زبان مقصد است. (Lehrer, 1974: 97) بنا بر این هرگاه مترجم بخواهد واژه‌ای را ترجمه کند که این واژه در زبان مبدأ مؤلفه‌های معنایی بیشتری نسبت به واژه در زبان مقصد داشته‌باشد «خالاً واژگانی» است. برای ترجمه چنین مفاهیمی بهتر است از شیوه‌هایی مانند معادل‌یابی توصیفی، معادل‌یابی فرهنگی و مانند آنها استفاده شود. به هر حال مترجم باید خالاهای واژگانی را بیابد و معادلی مناسب برای پرکردن این شکاف‌ها و خالاهای به‌کارگیرد.

خالاهای واژگانی که مربوط به‌جنبه‌های فرهنگ‌شناسی در موضوعات مختلف در زبان مقصد است می‌تواند نمونه بارزی از فقدان واژه‌سازی باشد که در هنگام مقایسه دو زبان یا یک‌زبان گیرنده در یک‌زبان

شناسایی شود. (Cvilikaite, 2006: 128) ضمن این‌که شکاف واژگان، موضوعی شناخته شده در زبان‌شناسی است. خلأ واژگانی مربوط به فقدان واژه‌سازی یک مفهوم خاص در یک زبان معین است. این پدیده از تجزیه و تحلیل یک زبان واحد با استفاده از تشخیص فضاهای خالی در یک ماتریس واژگانی پدیدار می‌شود. به هر حال، در مقایسه دو یا چند زبان هنگام ترجمه، خلأ واژگانی به یک مسأله اصلی تبدیل می‌شود. (Lehrer, 1974: 9)

آن‌گاه خلأ واژگانی در ترجمه اتفاق می‌افتد که:

۱. زبان مبدأ، مفهومی با جنبه واژگانی زبان ارائه دهد که زبان مقصد همان مفهوم را با ترکیبی آزاد از کلمات یا عبارات بیان کند.
۲. این مفهوم در زبان مقصد وجود نداشته باشد.
۳. مفاهیم یا دیگر عناصر مهم زبان مبدأ، گاهی اوقات با مفاهیم موجود در زبان مقصد متفاوت باشد. (به‌عنوان مثال مفاهیم انتزاعی مانند «دموکراسی»)
۴. در مواردی که طبقه‌بندی معنایی و دستوری زبان مبدأ و زبان مقصد متناسب نباشد. به‌عنوان مثال، کلمه موتور در زبان انگلیسی دارای دو مفهوم متفاوت 'motor — engine' به کار می‌رود؛ در حالی که در زبان عربی فقط یک مفهوم "محارک: محرک" دارد که هر دو آنها را در بر می‌گیرد.
۵. در جایی که شکاف فرهنگی بوده، و فرهنگ لغت، اصطلاحات را به‌طور کلی پشتیبانی نمی‌کند. (Darwish, 2010: 244)

نکته قابل توجه این است که شکاف‌های فرهنگی فقط مربوط به اصطلاحات نمی‌شود؛ بلکه از قلمرو سیاسی نیز عبور می‌کنند و «فرهنگ سیاسی» یک جامعه خاص در بیشتر موارد در روند ترجمه با محدودیت‌های خاصی روبه‌رو است. این محدودیت‌ها، از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از دوره‌ای به دوره دیگر متفاوت است. گاهی اوقات مترجم هنگام روبه‌رویی با این چالش ممکن است آن‌را ترجمه نکند و به راحتی کنار بگذارد. (Hulpke, 1991: 18)

۲-۲- نقش فرهنگ در ترجمه

ترجمه تنها انتقال معنی از زبان مبدأ به زبان مقصد نیست؛ چرا که انتقال معانی بدون انتقال عناصر فرهنگی از یک زبان به زبانی دیگر ناممکن است. البته هم‌چنان که گذشت عناصر فرهنگی و خلأ واژگانی در تلازم یکدیگر هستند. «بازتاب تصویر حاصل از اغلب تعابیر، ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها از جمله عوامل مهم آشنایی و ایجاد ارتباط بین فرهنگ‌ها و غنابخشی و خلاقیت‌زایی در آنهاست.» (نیازی و نصیری،

۱۳۸۸: ۱۶۸) بی‌گمان با چنین رویکردی عناصر فرهنگی نیز با حفظ امانت‌داری، درست و دقیق منتقل می‌شود. البته باید «به بهترین شکل ممکن قابل درک، فهم و بهره‌برداری باشد.» (رشیدی، ۱۳۷۸: ۶۵) هنگام ترجمه متن، مشکلات بسیاری پیش روی مترجم است. سخت‌ترین چالش پیش روی مترجمان خلاً واژگانی و نبود فرهنگ مشترک بین دو زبان است. «از میان مشکلات ترجمه، سهم مشکلات مربوط به فرهنگ، از همه بیش‌تر است. مفاهیم و موضوعات موجود در یک فرهنگ، با واژگان تمدن دیگر مطابقت ندارند. بحث، تنها بر سر این نیست که چه واژه‌ای در زبان مقصد، هماهنگ با زبان مبدأ جایگزین شود. بلکه بیشتر دانستن این مسأله ضروری است که چگونه تا حد امکان می‌توان دنیای پنهان‌شده را بیان کرد.» (Lederer, 1994: 122). از این رو به‌نظر می‌رسد در ترجمه، عوامل مربوط به فرهنگ، یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل پیش روی یک مترجم است. (Ordudari, 2007: 31).

بنابر آنچه گفته شد می‌توان به این نتیجه رسید که ترجمه نقش به‌سزایی در تبادل فرهنگی میان ملت‌ها ایفا می‌کند. «پویایی فرهنگی، محصول ارتباطات بین فرهنگی است و ترجمه، ساز و کار اصلی این‌گونه ارتباطات است.» (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

واژگان فرهنگی، به‌جامعه و فرهنگی خاص اختصاص دارند. مترجم در انتقال این واژگان به‌زبان مقصد با مشکلاتی مانند خلاً واژگانی روبه‌رو است؛ تفاوت‌های فرهنگی در این واژگان مشکلات فراوانی برای مترجمان به‌وجود می‌آورد. «تفاوت‌های فرهنگی در ترجمه مشکل‌سازتر است تا تفاوت زبانی!» (Nida, 1964: 13).

هیروی معتقد است اصطلاحات وابسته به فرهنگ، به‌مفاهیمی اطلاق می‌شود که مخصوص زبان مبدأ هستند. (Hervey, 1992: 2). در حقیقت، اختلافات زبان را به‌نوعی می‌توان معادل‌یابی تقریبی کرد یا شرح و بسط داد و موضوع را به‌نحوی به‌خواننده فهماند؛ اما تفاوت‌های فرهنگی به‌راحتی قابل درک و انتقال نیستند. (هاشمی میناباد، ۱۳۸۳: ۳۴) در واقع، اصطلاحات وابسته به فرهنگ به‌عنوان منبع مشکلات مترجم جهت یافتن معادل مناسب این اصطلاحات و انتقال مفاهیم فرهنگی به‌زبان مقصد است. و این‌ها مربوط به تفاوت فرهنگ‌ها در دو زبان متفاوت است. (Diri I. Teilanyo, 2007: 16). برگردان و معادل‌یابی مناسب عناصر فرهنگی نقش به‌سزایی در موفقیت در ترجمه ایفا می‌کند. مترجمی موفق است که بر فرهنگ زبان‌های مبدأ و مقصد تسلط داشته باشد.

۲-۳- الگوی نقد و مقوله‌های فرهنگی نیومارک

نیومارک دسته‌بندی جامع از مقوله‌ها و الگویی را برای نقد یک ترجمه ارائه می‌دهد که شامل موارد

گوناگونی مانند نقد هدف، نقد عنوان، نقد واژگان، نقد ساختارها، نقد استعارات، و نقد ابهام‌های متن است. از دیدگاه نیومارک، اصلی‌ترین پیوند بین نظریه ترجمه و عمل ترجمه، نقد ترجمه است. وی عقیده دارد که منتقد باید به‌عنوان محور اول نقد دست کم یک پاراگراف درباره غرض و هدف متن اصلی بنگارد و به‌مواردی مانند قصد نویسنده، نوع مخاطبان، انواع مقوله‌های متنی و ویژگی‌های کلی زبان اشاره کند. (نیومارک، ۱۳۹۰: ۲۴۲).

پیتر نیومارک، برای ارزیابی چگونگی ترجمه مقوله‌های فرهنگی، آنها را این‌گونه تقسیم‌بندی می‌کند:

أ) عناصر بوم‌شناسانی؛ ب) فرهنگ مادی (فراورده‌ها)؛ ج) فرهنگ اجتماعی کار و فراغت؛ د) نهادها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها، جریان‌ها، مفاهیم؛ هـ) اشارات و حرکات حین سخن گفتن و عادات. (همان: ۱۲۲ - ۱۳۳).

۲-۴- راهکارهای نیومارک

نیومارک برای ترجمه عناصر فرهنگی و دسته‌بندی جامع از مقوله‌ها راهکارهایی را به شرح ذیل ارائه می‌دهد:

۱. انتقال (قرض‌گیری)^۱: منظور از این فرآیند، آوردن کلمه‌ای از زبان مبدأ به‌زبان مقصد است. نخستین تکنیک ترجمه نیومارک، انتقال یا وام‌گیری واژه از زبان مبدأ به‌زبان مقصد است. در این روش، مترجم واژه مبدأ را عیناً به‌زبان مقصد منتقل می‌کند. البته این کار می‌تواند عمدی یا سهوی باشد. گاهی مترجم هدفمند از این تکنیک استفاده می‌کند و می‌خواهد بافت فرهنگی زبان مبدأ را منتقل کند و یا معادل مناسبی برای ترجمه یافت نمی‌شود و واژه‌ای با آن مفهوم در زبان مقصد وجود ندارد. در هر صورت باید به‌اهداف و علت رویکرد مترجم به این راهکار توجه شود. شایان ذکر است از مهم‌ترین عوامل به‌کارگیری قرض‌گیری، ورود پدیده‌های صنعتی و روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و ورود افراد تحصیل کرده از خارج و عوامل جغرافیایی و تابوها و برخوردهای نظامی است. (عزیز محمدی، ۱۳۸۲: ۷۱)

۲. بومی‌کردن^۲: این فرآیند در ادامه فرآیند انتقال است که باعث می‌شود یک واژه کم در زبان مقصد هم از نظر تلفظ و هم ریخت بومی شود.

۳. معادل فرهنگی^۳: زمانی که یک واژه فرهنگی از زبان مبدأ با واژه فرهنگی زبان مقصد ترجمه شود.

۴. معادل کارکردی^۴: این فرآیند رایج که برای واژه‌های فرهنگی به کار می‌رود مستلزم به کار بردن یک واژه مستقل از فرهنگ است که گاهی با یک واژه جدید خاص همراه می‌شود. از این رو، این فرآیند واژه زبان مبدأ را خنثی یا عام می‌سازد.
۵. معادل توصیفی^۵: در ترجمه، گاهی باید توصیف را بر کارکرد ترجیح داد.
۶. مترادف^۶: مترادف جایی کاربرد دارد که معادل دقیقی برای واژه در متن مبدأ وجود نداشته باشد. بنا بر این از نزدیک‌ترین مترادف واژه استفاده می‌شود.
۷. گرت‌برداری، ترجمه قرضی^۷: از لحاظ نظری مترجم نباید مبدع یک ترجمه قرضی شود و صرفاً نقش گرت‌برداری را ایفا کند.
۸. تغییرات یا جایگزینی‌ها^۸: فرآیندی از ترجمه که شامل تغییر شکل دستور زبان مبدأ به زبان مقصد است.
۹. دگرگون‌سازی^۹: این واژه را وینی و داربلنه برای توضیح تغییر در نقطه‌نظر و دیدگاه و غالباً تغییر در مقوله ذهنی انتخاب کرده‌اند.
۱۰. ترجمه مقبول^{۱۰}: معمولاً باید برای هر واژه، سازمانی از ترجمه رسمی یا ترجمه‌ای که مقبولیت عامه دارد، استفاده کرد.
۱۱. ترجمه موقت^{۱۱}: این فرآیند یک ترجمه موقتی است که معمولاً از یک واژه سازمانی جدید صورت می‌گیرد و باید آن را داخل گیومه قرار داد تا در فرصت‌های بعد عوض شود.
۱۲. جبران^{۱۲}: این روش در جایی به کار می‌رود که بخشی از معنا در قسمت دیگری از جمله از دست رفته باشد.
۱۳. تحلیل محتوا^{۱۳}: این فرآیند شامل تفکیک یک واحد واژگانی به اجزای معنایی آن است. به طوری که اغلب شامل ترجمه یک واحد به دو یا سه یا چهار جزء جداگانه است.
۱۴. کاهش و بسط^{۱۴}: فرایندهای ترجمه‌ای غیردقیق که مترجم از روی حس تشخیص و صرافت در برخی موارد، آنها را به کار می‌بندد. اما در هر یک از این موارد، به‌ویژه اگر بد نوشته شده باشند، دست کم یک تغییر صورت گیرد.
۱۵. دگرنویسی^{۱۵}: این فرآیند عبارت است از شرح و بسط یا توضیح بخشی از متن، این فرآیند در متون بی‌نام در صورتی که ضعیف و نارسا نوشته شده، یا معنای تلویحی داشته باشند و نکات مهمی حذف شده باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱۶. فرآیندهای تلفیقی^{۱۶}: تلفیق چند فرآیند برای برون‌رفت از مشکل ترجمه را فرآیند تلفیقی می‌گویند.

۱۷. یادداشت‌ها، اضافات و توضیحات^{۱۷}: اطلاعات افزوده‌ای که مترجم باید به ترجمه‌اش اضافه کند، معمولاً توضیحات فرنگی فنی یا زبان است و به مقتضیات خوانندگان ترجمه بستگی دارد که با خوانندگان متن اصلی متفاوت هستند. (Newmark, 1988: 103 _ 117)

۳ - کاربرد الگوی ترجمه نیومارک در نقد و تطبیق ترجمه‌های فارسی و انگلیسی صفارزاده از عهدنامه مالک اشتر

۳-۱ - انتقال (قرض‌گیری)

تکنیک قرض‌گیری در بیشتر موارد متون دینی و ادبی به کار می‌رود که معادل‌یابی مناسب در زبان مقصد امکان ندارد و ترجمه آن موجب کج‌فهمی می‌شود؛ مانند: «النَّفْسُ أَمَارَةٌ»، در زبان مقصد، معادل فرهنگی و یا کارکردی مناسب را نیافته، پس ترجیح می‌دهد عبارت را به همان شکل به زبان مقصد بیاورد.

فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَارَةٌ بِالشُّوءِ

(همان: ۵۳). Since the passionate - self of human being is surely inclined to evil.

باتوجه به نبود اصطلاح دینی «نفس اماره» در فرهنگ غرب، مترجم برای فهم مخاطب از انتقال پرهیز می‌کند تا جمله نامانوس نشود و برای جبران خلأ فرهنگی معادل کارکردی را به کار می‌برد. البته نمی‌توان این نوع رویکرد را برای استفاده از تکنیک قرض‌گیری برای همه موارد تعمیم داد. چون در مواردی مشاهده می‌شود به کارگیری از این تکنیک هدفمند نیست و هر بار برای ترجمه یک‌واژه از دیگر تکنیک‌ها استفاده کرده، و این انسجام محتوایی ترجمه را متزلزل می‌کند. مانند واژه «الخَرَاجُ» که در برخی موارد خراج، و در جاهایی دیگر مالیات ترجمه می‌شود. هم‌چنان‌که در ترجمه به زبان انگلیسی نیز سعی می‌کند، مانند: «خَرَاجِها»: In order to collect the tax of that area. (همان: ۵۱)

البته چه بسا واژه‌ها و عبارت‌هایی که به همان شکل به زبان مقصد انتقال داده می‌شود ولی در زبان فارسی معادلی مناسب دارد. مانند:

فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ مُحْسِنٌ أَعْمَالِهِمْ تَهْرُجُ الشُّبَّاعِ

زیرا کثرت یادکردن از اعمال نیکوی آنان مردان دلیر را به شوق می‌آورد. (همان: ۸۱)

۳-۲ - بومی کردن

مترجم نیز از این روش در برخی موارد دیگر نیز استفاده می‌کند؛ مانند واژه «اللَّجَاجَةَ» در «اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ» مترجم از «لجوجانه» استفاده می‌کند که ترجمه مناسب‌تر آن، «با سرسختی» است. مترجم به دلیل شکاف و خلائهای موجود میان زبان‌های عربی و انگلیسی در ترجمه عهدنامه به زبان انگلیسی، تحت هیچ شرایطی نتوانسته از تکنیک بومی‌سازی بهره‌برد و دیگر تکنیک‌ها را برای جبران این خلائها به کار می‌برد.

۳-۳- معادل فرهنگی

اگر موارد فرهنگی از زبان مبدأ، معادلی مناسب در زبان مقصد یافت شود، مترجم دچار چالش نمی‌شود و به راحتی آن را جایگزین می‌کند. مانند ترجمه «قَوَدَ الْبَدَن» که مترجم آن را کیفر قصاص ترجمه می‌کند، و یا «سُنَّةً» را، customs ترجمه می‌کند. مانند:

وَلَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ = And do not break off the good customs (همان: ۷۰)

البته رویکرد مترجم برای ترجمه واژه «سُنَّةً»، رویکرد واحدی نبوده، و در مواردی دیگر آن را Methods و traditions ترجمه می‌کند.

۳-۴- معادل کارکردی

برای پرکردن خلائهای فرهنگی میان‌زبانی گاهی مترجم معادل فرهنگی مناسب را در زبان مقصد نمی‌یابد. در این صورت یک واژه مستقل از فرهنگ را به کار می‌برد که گاهی با یک واژه جدید خاص همراه می‌شود، مانند:

وَلَا يَنْصِبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ؛ دست سؤال هم پیش نمی‌آورند. (همان: ۱۰۳).

آن چنان که مشهود است، مترجم به زیبایی معادل کارکردی را برای ترجمه به کار برده و از ترجمه حرفی خودداری می‌کند.

۳-۵- معادل توصیفی

مترجم بنا بر نیاز، توصیف را بر کارکرد ترجیح می‌دهد و برای شفاف‌سازی مضمون نویسنده به توصیف می‌پردازد، مانند:

فَالْجُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَةِ

و وظیفه سپاهیان به امر خداوند پشتیبانی از رعیت هم چون دژهایی استوار است. (همان: ۷۲).

مترجم با آوردن عبارت هم‌چون دژهایی استوار، به توصیف نحوه حُصُون (پشتیبانی) می‌پردازد. و در انگلیسی:

يُجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ

stand as the source of suspicion about Allāh ['s overseeing creatures' behavior and conduct]. (همان: ۶۴)

مترجم برای ارائه توضیح بیشتر در ترجمه انگلیسی برای پرکردن خلأهای فرهنگی و واژگانی در ادامه جمله در [...] به توصیف آن می‌پردازد.

۳-۶- مترادف

مترجم در جایی که نتواند معادلی دقیق برای ترجمه در متن مقصد بیابد، برای روشن‌تر شدن معنا از نزدیک‌ترین مترادف واژه استفاده می‌کند، مانند:

ثُمَّ انظُرْ فِي حَالِ كِتَابِكَ؛ سپس در امور نویسندگان و منشیان به درستی بیندیش. (همان: ۹۳).

لازم به یادآوری است به دلیل وجود خلأهای واژگانی، بیشتر در ترجمه به زبان انگلیسی، آوردن مترادف واژه‌ها به مخاطب در فهم بهتر مضمون کمک بیشتری می‌کند، مانند:

فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقُّ مِنْ سَرَّهَا

Since usually people have shortcomings or flaws yet the ruler is most dutified and entitled to keep them as a secret. (همان: ۶۲)

واژگان dutified و entitled به معنای ذی‌حق و صاحب حق هستند که مترجم برای فهم بهتر متن دو واژه مترادف را می‌آورد.

۳-۷- گزیده‌برداری، ترجمه قرضی

یکی از راهکارهای نیومارک برای پرکردن خلأهای واژگانی در زبان مقصد، گزیده‌برداری یا همان قرض‌گیری از مفاهیم زبان مبدأ است، مانند:

فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أُسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ

به‌واقع این دین شریف در دست بدکاران اسیر گشته بود. (همان: ۸۶)

در اینجا مترجم روش گزیده‌برداری را به کار برده، و مفاهیم زبان مبدأ را لفظ به لفظ انتقال داده است.



مترجم به‌خائاهای فرهنگي میان زبان‌های عربي و انگلیسی به‌روش گرتة برداری نیز روی

می‌آورد، مانند: إِمَّا أُخِ لَكَ فِي الدِّينِ = your brother in religion

با توجه به این که در فرهنگ غرب، برادر دینی معادل واژگانی ندارد بنا بر این مترجم به‌ناچار از روش گرتة برداری بهره می‌برد. و یا در:

وَأَمَّا عُمُودُ الدِّينِ = the pillars of the religion (ستون‌های دین)

۳-۸- تغییرات یا جایگزینی‌ها

این مؤلفه به‌معنای تغییر ساختار دستوری و گرامری به‌طبقه‌ای دیگر است. به‌گونه‌ای که ساختار دستور زبان بدون تغییر معنا در زبان مقصد، تغییر پیدا می‌کند. صفارزاده در بیشتر موارد ساختارهای دستوری را حفظ می‌کند و تنها در هفت مورد، از این روش بهره می‌گیرد و بلاغت کلام امام علی (علیه‌السلام) را محفوظ نگه می‌دارد، مانند:

وَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ النَّجْرَةِ وَالْحَيَاءِ؛

و کارگزاران را از بین افراد با تجربه و متواضع انتخاب کن!

مترجم برای ترجمه «مِنْهُمْ»، از تکنیک جایگزینی استفاده می‌کند و مرجع ضمیر را به‌جای ضمیر متصل می‌آورد. البته در نمونه ترجمه انگلیسی، مترجم بدون تغییر معنا تنها ساختار معلوم را به مجهول برمی‌گرداند، مانند:

أَمْرَهُ يَتَّقُوا اللَّهَ

In this letter has ordered him to be God fearing and considering piety. (همان: ۵۱)

۳-۹- دگرگون‌سازی

هرگاه مترجم بخواهد نقطه‌نظر و دیدگاه خود را در ترجمه تغییر دهد از این روش کمک می‌گیرد، مانند:

وَلَا تَقُولُ: إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرًا فَاطَاعُ، فَإِنَّ ذَلِكَ إِذْغَالٌ فِي الْقَلْبِ، وَمِنْهُكَ لِلدِّينِ، وَتَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ

هیچ گاه به‌مردم نگو به‌من فرمان داده‌اند من نیز فرمان می‌دهم و فرمان من باید اطاعت شود که این نوع تفکر قلب آدمی را تیره می‌سازد و از قدرت دین می‌کاهد و بلا را نزدیک می‌گرداند. پس از بررسی ترجمه و تغییرات، شاهد آن هستیم که مترجم با تغییر رویکرد و زاویه دید متن را به فارسی ترجمه می‌کند. البته در ترجمه انگلیسی نیز شاهد به‌کارگیری این روش در ترجمه هستیم، مانند:

وَأَكْثَرُ مَدَارِسَةِ الْعُلَمَاءِ، وَمُنَافِقَةِ الْمُحْكَمَاءِ، فِي تَثْبِيْتِ مَا صَاحَّ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِإِلَادِكَ، وَإِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ

Regarding the matters which will bring welfare to the cities governed by you and also about law and order the way people have enjoyed before you discuss frequently with the scholars and also with the wise and the experienced men. (همان: ۷۰)

۳-۱۰ - ترجمه مقبول

مترجم از این راهبرد در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی بهره‌نمی‌گیرد.

۳-۱۱ - ترجمه موقت

مترجم این تکنیک را نیز در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی به کار نمی‌برد.

۳-۱۲ - جبران

در این روش، مترجم بخشی از معنا را که در قسمت دیگری از جمله از دست رفته، به کار می‌برد و معنای از دست رفته را با آوردن واژه یا عبارتی جبران می‌کند؛ مانند:

آرَائِهِمْ وَنَفَاذِهِمْ؛ دیدگاه‌هایشان و مدیریت و نفوذ آنها»

(واژه مدیریت برای جبران خلأ واژگانی آورده می‌شود.) و یا در انگلیسی همان گونه به کار می‌گیرد،

مانند:

تُمْ لِيَكُنْ آتْرَهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلَهُمْ بِمُرِّ الْحَقِّ لَكَ؛

So the most selected minister in your sight should be a person who speaks bitter words frankly about the situation. (همان: ۶۶) .

۳-۱۳ - تحلیل محتوا

طی این فرآیند، مترجم برای پرکردن خلأهای واژگانی به تفکیک یک واحد واژگانی، به اجزای معنایی

آن می‌پردازد، مانند:

فَإِنَّ الْجُلَّ وَالْجُهْنَ وَالْحِرْصَ غَرَائِزُ شَقِيَّةٌ يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ؛

پس بخل و ترس و آز اگرچه خصلت‌هایی جدا از یکدیگرند اما مجموعاً منشأ بدگمانی نسبت به
 نظارت خداوند [بر اخلاق و اعمال بندگان] محسوب می‌شوند. (همان: ۶۴)
 که مترجم عبارت [بر اخلاق و اعمال بندگان] را برای درک بهتر عبارت سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ، می‌آورد. و
 یا در انگلیسی، مانند:

وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرِّعِيَةِ أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِيِّ مُؤُونَةً فِي الرَّخَاءِ؛

The exclusive group of the society are the most burden on the governor since they
 are the least helpful in the hard time.

مترجم عبارتی را که زیر آن خط کشیده شده، برای درک بهتر و دریافت اطلاعات بیشتر مخاطب به
 ترجمه اضافه می‌کند. مترجم برای ترجمه به فارسی نیز همین تکنیک را به کار می‌برد: «خواص یک
جامعه معضل‌های بزرگی را به حکومت تحمیل می‌کنند و از رعیت هیچ کس بر حکمران در هنگام رفاه و
آسانی گران‌بارتر.» (همان: ۶۱).

۳-۱۴. کاهش و بسط

گاهی مترجم از روی حس تشخیص و صرافت در برخی موارد از آوردن بخش‌هایی از متن اصلی به
 زبان مقصد خودداری می‌کند (کاهش) و یا گاهی برای شفاف‌سازی مفاهیم، ترجمه را بسط می‌دهد،
 مانند:

وَأَمِّنْ فِي إِجْمَالٍ وَإِعْذَارٍ؛

و اگر چیزی را بنا بر مصلحت از کسی باز می‌داری بامهربانی و عذرخواهی دلیل منع را همراه
 ساز. (همان: ۱۰۵)

مترجم برای روشن‌تر شدن محتوای جمله معترضه زبان عربی را در ترجمه به زبان فارسی بسط
 می‌دهد. در مقابل، در مواردی برخی واژه‌ها را ترجمه نکرده، و از روش کاهش بهره گرفته است؛ مانند:
 «لِلْأَسْتِثْنَاءِ النَّحْيِ رَحْمَةُ اللَّهِ» که مترجم رَحِمَهُ اللَّهُ را ترجمه نمی‌کند.

۳-۱۵. دگرنویسی

مترجم با به‌کارگیری این تکنیک، همان مفاهیم متن مبدأ را در غالب جمله‌ای متفاوت به زبان مقصد
 می‌آورد، مانند:

أَمْضِ كُلَّ يَوْمٍ عَمَلَهُ، فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَافِيهِ؛



کار هر روزه را در همان روز انجام ده زیرا هر روزی، کاری مخصوص به خود دارد. (همان: ۱۰۶).
و یا مضمون اصلی متن مبدأ را به شیوه‌ای دیگر در متن مقصد دگرنویسی می‌کند. مانند: «و لا تُسْرِعَنَّ إِلَىٰ بَادِرَةِ وَجَدْتِ مِنْهَا مَنُذُوحَةً» = در ابراز خشم و تندخویی هر قدر که بتوانی از شتاب بپرهیز.»
(همان: ۵۷) و یا

وَأَمْرُهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ عِنْدَ الشَّهَوَاتِ؛

And also he orders him to restrain his passionate self when it overcomes him.

(همان: ۵۲)

از آنجا که مترجم در فرهنگ غرب معادلی مناسب برای ترجمه عبارت «يَكْسِرُ نَفْسَهُ عِنْدَ الشَّهَوَاتِ» نمی‌یابد مفهوم جمله را دریافت، و آن را به شیوه‌ای دیگر در متن مقصد دگرنویسی می‌کند. یا در ترجمه انگلیسی، مانند:

Since sufficient salary gives them chance to be more pious. (همان: ۸۷).

۳-۱۶ - فرآیندهای تلفیقی

در برخی موارد مترجم برای فائق آمدن بر مشکلات ترجمه، از تلفیق چند فرایند استفاده می‌کند و به‌طور هم‌زمان چندین تکنیک را برای ترجمه موردی خاص به کار می‌گیرد، مانند:

فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَىٰ خِيَانَةٍ؛ و اگر فردی از آنان به خیانت دست بیاورند. (همان: ۸۹)

در اینجا مترجم برای ترجمه عبارت مذکور، دو تکنیک را به‌طور هم‌زمان به کار برده، و از تکنیک تلفیقی بهره گرفته است. واژه خیانت را از طریق قرض‌گیری عیناً به زبان مقصد انتقال داده، و عبارت «بَسَطَ يَدَهُ إِلَىٰ خِيَانَةٍ» را در زبان مقصد به صورت دگرنویسی می‌آورد، و یا در انگلیسی:

فَإِنَّ ذَلِكَ يَطْمَأِنُّ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ؛

This focusing and observing the might of Allāh will suppress your vanity.

(همان: ۵۸)

مترجم برای تفهیم مضمون اصلی به‌خواننده متن مقصد دو تکنیک جبران و جایگزینی را به صورت تلفیقی، هم‌زمان به کار می‌برد. در واقع، مترجم با اضافه کردن عبارت:

focusing and observing the might of Allāh will



به ترجمه، از تکنیک جایگزینی عبارت به جای ضمیر ذَٰلِكَ استفاده کرده، هم‌چنین این عبارت را برای جبران ابهام‌زدایی مضمون متن اصلی به متن زبان مقصد اضافه می‌کند.

۳- ۱۷. یادداشت‌ها، اضافات و توضیحات

گاهی مترجم به‌ناچار باید اطلاعاتی را به ترجمه‌اش اضافه کند تا خواننده متن مقصد دچار سردرگمی نشود. مانند نمونه زیر که مترجم منبع نقل قول قرآنی را با ذکر نام سوره و شماره آیه در پایان ترجمه‌اش می‌آورد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ

ای کسانی که [به‌وحدانیت خداوند] ایمان آورده‌اید! از خدا و پیامبر خدا ﷺ و فرماندارانتان که از جانب خدا و رسول ﷺ حکم‌دارند، اطاعت کنید و هرگاه نزاع و اختلاف نظری در موضوعی دینی پیش آمد آن را به حکم خداوند و پیامبر ﷺ ارجاع دهید. (نساء/۵۹) (همان: ۸۲).

مترجم در ترجمه همین جمله به انگلیسی نیز این تکنیک را به کار می‌برد:

“O, you who believe [in Allāh’s unity]! Obey Allāh and obey the Messenger and those governors among you who have received Divine Authorities. If you differ in anything among yourself, refer it to Allāh and His Messenger”.

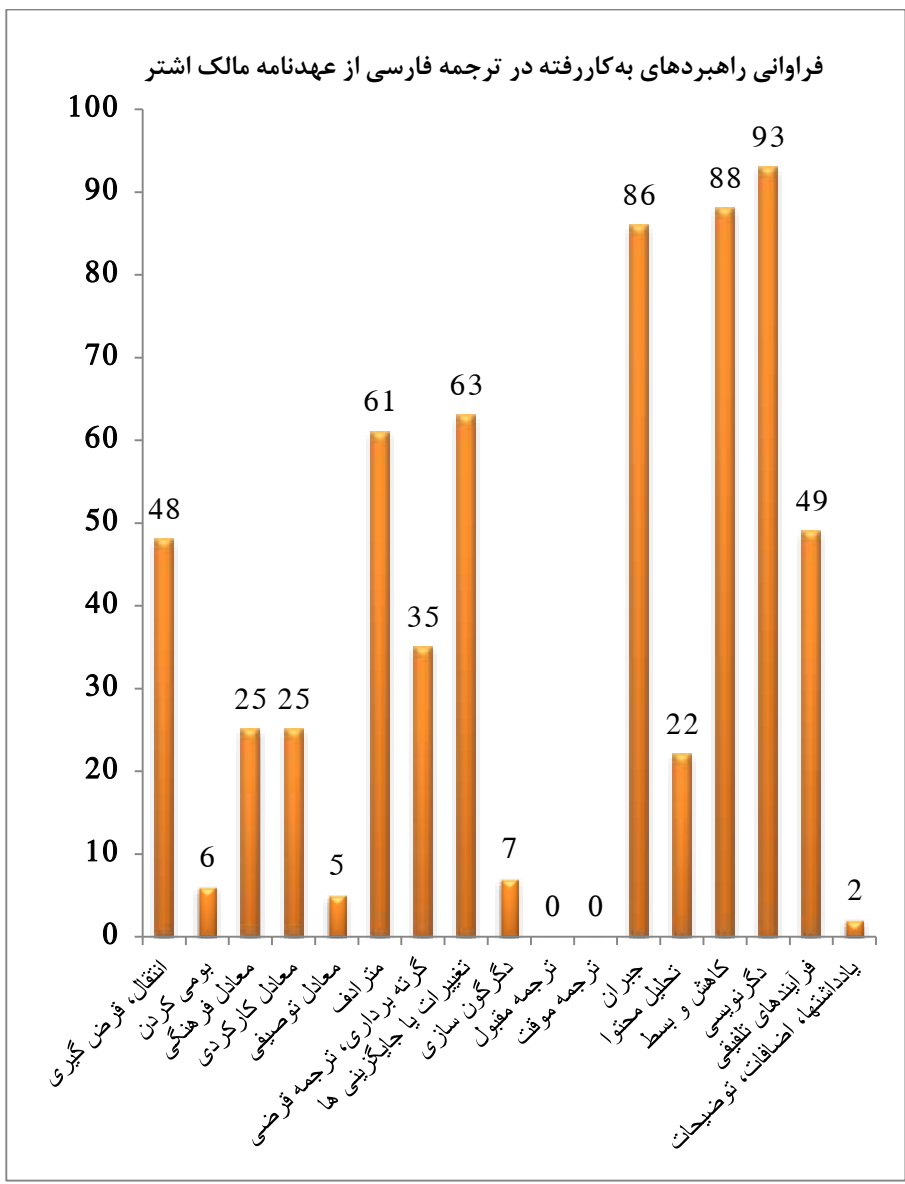
۴ - فراوانی و درصد راهبردهای به‌کاررفته

پس از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، پژوهش‌گر فراوانی و درصد به‌کارگیری راهبردهای به‌کاررفته را محاسبه کرده، و در جدول‌ها و نمودارهایی جداگانه بررسی می‌کند.

جدول ۴ - ۱ - بسامد و درصد راهبردهای به کاررفته در ترجمه فارسی

ردیف	انواع راهبرد	بسامد	درصد
۱	انتقال، قرض‌گیری	۴۸	۷۸٪
۲	بومی کردن	۶	۱٪
۳	معادل فرهنگی	۲۵	۴٪
۴	معادل کارکردی	۲۵	۴٪
۵	معادل توصیفی	۵	۰٫۸٪
۶	مترادف	۶۱	۱۰٪
۷	گرفته‌برداری، ترجمه قرضی	۳۵	۵٫۷٪
۸	تغییرات، جایگزینی	۶۳	۱۰٫۲۵٪
۹	دگرگون‌سازی	۷	۱٫۴٪
۱۰	ترجمه مقبول	۰	۰
۱۱	ترجمه موقت	۰	۰
۱۲	جبران	۸۶	۱۴٪
۱۳	تحلیل محتوا	۲۲	۳٫۵٪
۱۴	کاهش و بسط	۸۸	۱۴٫۳۰٪
۱۵	دگرنویسی	۹۳	۱۵٪
۱۶	فرآیندهای تلفیقی	۴۹	۷٫۹٪
۱۷	یادداشت‌ها، اضافات و توضیحات	۲	۰٫۳۵٪
	جمع	۶۱۵	۱۰۰٪

بررسی تطبیقی خلائهای واژگانی در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی عهدنامه مالک اشتر
 بنا بر الگوی نظری پیتر نیوماک «مطالعه موردی طاهره صفارزاده»

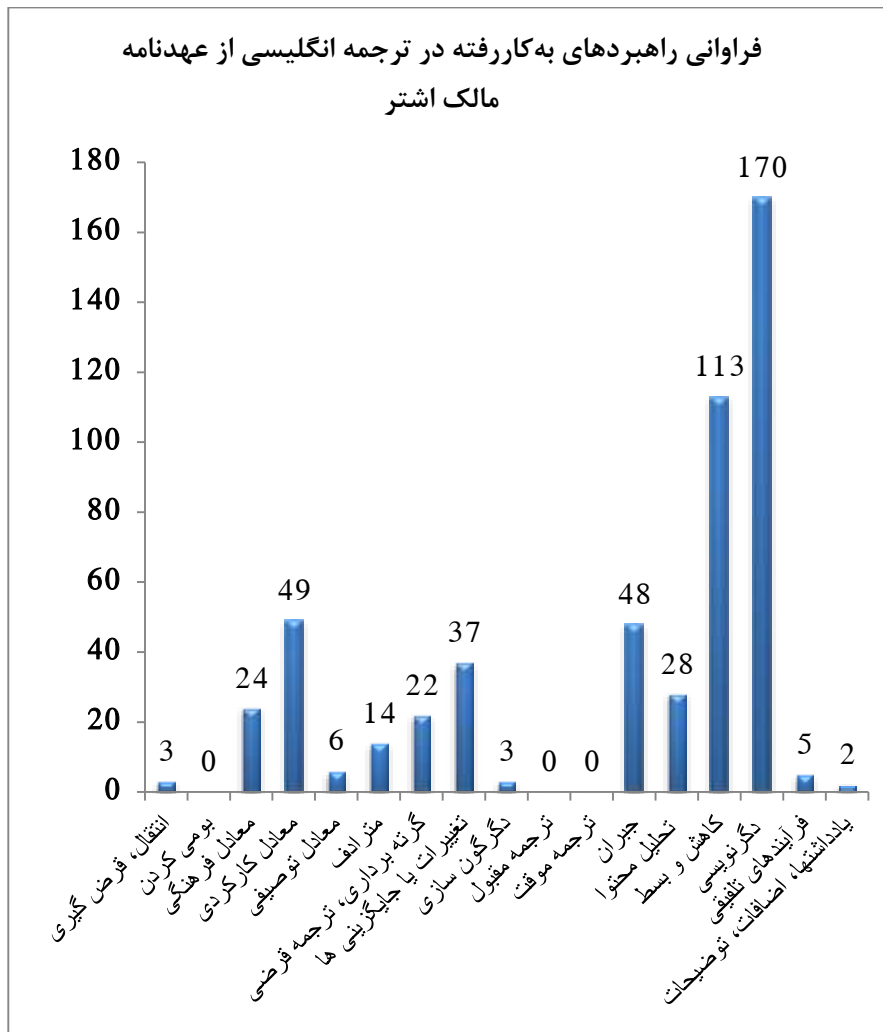


بر اساس یافته‌های پژوهش‌گر، مترجم در ترجمه فارسی مالک اشتر بیشتر به تکنیک‌های دگرنویسی، سپس کاهش و بسط، و هم‌چنین جبران روی می‌آورد و هرگز از ترجمه مقبول و موقت بهره‌نمی‌برد. البته در دو مورد نیز تکنیک اضافات را به‌کار می‌برد.

جدول ۴-۲- بسامد و درصد راهبردهای به کاررفته در ترجمه انگلیسی

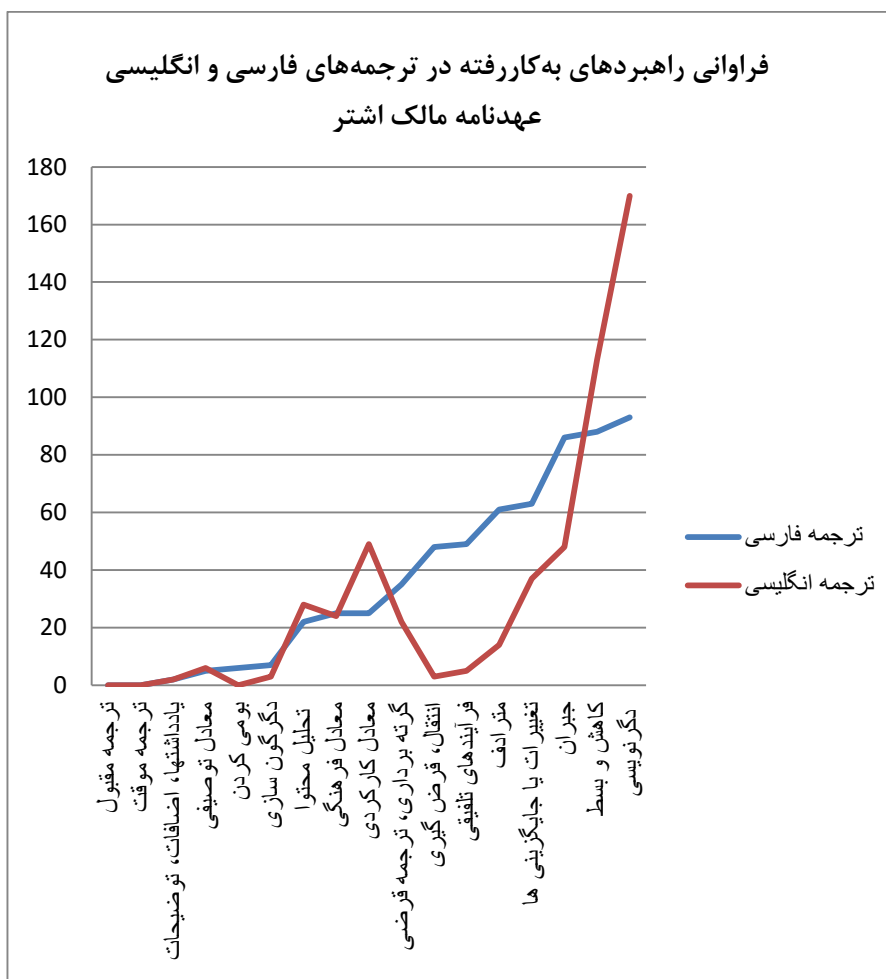
ردیف	انواع راهبرد	بسامد	درصد
۱	انتقال، قرض گیری	۳	۰/۵۷٪
۲	بومی کردن	۰	۰
۳	معادل فرهنگی	۲۴	۴/۵۸٪
۴	معادل کارکردی	۴۹	۹/۳۵٪
۵	معادل توصیفی	۶	۱/۱۴٪
۶	مترادف	۱۴	۲/۶۷٪
۷	گرفته برداری، ترجمه قرضی	۲۲	۴/۱۹٪
۸	تغییرات یا جایگزینی ها	۳۷	۷/۰۶٪
۹	دگرگون سازی	۳	۰/۵۷٪
۱۰	ترجمه مقبول	۰	۰
۱۱	ترجمه موقت	۰	۰
۱۲	جبران	۴۸	۹/۱۶٪
۱۳	تحلیل محتوا	۲۸	۵/۳۴٪
۱۴	کاهش و بسط	۱۱۳	۲۱/۶٪
۱۵	دگرنویسی	۱۷۰	۳۲/۴۴٪
۱۶	فرآیندهای تلفیقی	۵	۰/۹۵٪
۱۷	یادداشت ها، اضافات و توضیحات	۲	۰/۳۸٪
	جمع	۵۲۴	۱۰۰٪





بنا بر نمودار بالا، مترجم در ترجمه انگلیسی مالک اشتر، بیشتر تکنیک دگرنویسی، سپس کاهش و بسط را به‌کار می‌برد و تحت هیچ شرایطی از ترجمه مقبول و موقت و بومی کردن بهره نبرده. و در دو مورد تکنیک اضافات را به‌کار می‌برد.

نمودار ۳-۴ - تفاوت رویکرد مترجم در به‌کارگیری راهبردها در ترجمه به‌زبان‌های فارسی و انگلیسی



بنا بر نمودار بالا می‌توان گفت به‌طور کلی رویکرد مترجم با وجود همانندی‌هایی در به‌کارگیری راهبردها در ترجمه به‌دو زبان متفاوت بوده، و در مواردی بسیار تفاوت رویکردش موجب جبران کیفیت ترجمه به‌دو زبان بوده است. در مجموع میزان کاربست راهبردهای ترجمه در ترجمه فارسی ۶۱۵ و در ترجمه انگلیسی ۵۲۴ مورد بوده است.

۵ - نتیجه‌گیری

ا) گاهی مترجم فارسی و انگلیسی عهدنامه مالک اشتر با توجه به الگوی نظری ترجمه‌ای پیترو نیومارک در پرکردن خلأهای واژگانی ناموفق بوده است. در صورتی که این الگو قابلیت کاربست هر دو ترجمه فارسی و انگلیسی را دارد.

ب) بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، مترجم در به‌کارگیری راهبرد دگرنویسی که پربسامدترین و پرکاربردترین راهبرد در ترجمه هر دو زبان فارسی و انگلیسی بوده، رویکرد واحدی دارد ولی به‌علت وجود خلأهای واژگانی چشمگیر میان زبان‌های عربی و انگلیسی، و به‌منظور غلبه بر این خلأها مترجم از راهبرد دگرنویسی با بسامد ۱۷۰ بهره می‌گیرد. در صورتی که بسامد این راهبرد در ترجمه فارسی ۹۳ است.

ج) تفاوت چشمگیر در ترجمه به‌زبان‌های فارسی و انگلیسی به‌کارگیری راهبرد انتقال با بسامد ۴۸ در ترجمه فارسی و بسامد ۳ در ترجمه انگلیسی است. از آنجا که به‌کارگیری بیشتر واژگان عربی در زبان فارسی مرسوم است مترجم از این امتیاز در ترجمه به‌این زبان استفاده می‌کند ولی به‌علت نامانوس بودن انتقال واژگان عربی به‌زبان انگلیسی، مترجم فقط در سه مورد به‌اجبار از این راهبرد بهره می‌گیرد.

د) مترجم به‌علت شکاف و خلأهای واژگانی و فرهنگی بسیار زیاد بین زبان‌های عربی و انگلیسی، تحت هیچ‌شرایطی نتوانسته به‌بومی‌سازی واژگان عربی در انگلیسی روی بیاورد ولی از این روش ۶ بار در ترجمه به‌زبان فارسی استفاده می‌کند و برای جبران خلأهای واژگانی در زبان انگلیسی بیشتر به‌معادل کارکردی و توصیفی، و همین‌طور تحلیل محتوا روی می‌آورد. همین‌گونه در هر دو زبان راهبردهای ترجمه مقبول و ترجمه موقت اصلاً به‌کار نمی‌رود. راهبرد اضافات با بسامد ۲ به‌یک اندازه در هر دو ترجمه به‌کار می‌رود.

ه) مترجم با وجود معادل‌های مناسب در ترجمه به‌زبان فارسی در بیشتر موارد بر حسب سلیقه شخصی به‌راهبرد ترادف روی می‌آورد و در ۶۱ مورد از این راهبرد استفاده می‌نماید. در صورتی که در ترجمه انگلیسی تنها ۱۴ مورد را براین اساس ترجمه می‌کند.

و) در بیشتر موارد به‌علت شباهت بین ساختار دستوری دو زبان عربی و انگلیسی، مترجم از راهبرد تغییر یا جایگزینی، از به‌کارگیری آن در زبان فارسی کمتر بهره‌گرفته، ولی از تکنیک تلفیقی و ترکیبی در زبان فارسی با بسامد ۴۹، و در زبان انگلیسی با بسامد ۵ بهره‌گرفته است.

ز) به‌طور کلی رویکرد مترجم برای پرکردن خلأهای واژگانی و فرهنگی در دو زبان متفاوت بوده، و با توجه به‌محدودیت‌های زبانی و فرهنگی، روش‌های متفاوتی را برای جبران این خلأها به‌کار می‌گیرد.

۶- پی نوشت‌ها

* باتوجه به محدودیت صفحات مقاله از آوردن همه متن عهدنامه مالک اشتر، ترجمه‌های فارسی و انگلیسی و نیز از ارائه ترجمه پیشنهادی چشم‌پوشی شده. و تنها به نمونه‌هایی از نقد و بررسی بسنده گردید.

- 1- Borrowing (Transference)
- 2- Naturalization
- 3- Cultural equivalent
- 4- Functional equivalent
- 5- Descriptive equivalent
- 6- Synonymy
- 7- Shift/Transposition
- 8- Through translation
- 9- Modulation
- 10- Recognized Translation
- 11- Translation Label
- 12- Compensation
- 13- Componential analysis
- 14- Reduction and Expansion
- 15- Paraphrase
- 16- Couplets
- 17- Notes, additions, glosses



منابع

* نهج البلاغه

۱. حقانی، نادر، ۱۳۸۶ش، *نظرها و نظریه‌های ترجمه*: تهران: امیرکبیر.
۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳ش، *لغت‌نامه*، تهران: امیرکبیر.
۳. رشیدی، غلامرضا، ۱۳۷۸ش، *ترجمه و مترجم*، مشهد: شرکت به‌نشر.
۴. صفارزاده، طاهره، ۱۳۸۷ش، *ترجمه گزیده‌ای از نهج البلاغه*، عربی، فارسی، انگلیسی، تهران: رهنما.
۵. معین، محمد، ۱۳۷۵ش، *فرهنگ فارسی*. تهران، انتشارات: امیرکبیر.
۶. میمندی‌نژاد، محمد جواد، ۱۳۵۸ش، *اصول ترجمه*، تهران: موسسه انتشارات چاپ.
۷. نیومارک، پیتر، ۲۰۰۶م، *الجامع فی الترجمة*، ترجمه: حسین غزالی، بیروت: الهملال.
۸. -----، ۱۳۹۰ش، *دوره آموزش فنون ترجمه*، ترجمه: منصور فهیم، سعید سبزیان، تهران: رهنما.

مقالات

۹. سجودی، فرزانه، ۱۳۸۸ش، ارتباطات بین فرهنگی: ترجمه و تأثیر آن در فرایندهای جذب و طرد، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دور دوم، ش ۱، صص ۱۴۱ - ۱۵۳.
 ۱۰. عزیزمحمدی، فاطمه، ۱۳۸۲ش، بررسی برخی فرآیندهای رایج قرص‌گیری در زبان فارسی، *علوم اطلاعات‌رسانی*، دوره ۱۸، ش ۳ و ۴، صص ۷۴ - ۷۱.
 ۱۱. نیازی، شهریار و نصیری، حافظ، ۱۳۸۸ش، ارزش فرهنگی ترجمه ضرب‌المثل‌ها و کنایات عربی فارسی، *زبان پژوهی*، سال ۱، ش ۱، دانشگاه الزهراء، ۱۶۷ - ۱۸۴.
 ۱۲. هاشمی میناباد، حسن، ۱۳۸۳ش، فرهنگ در ترجمه و ترجمه عناصر فرهنگی، *فصلنامه مطالعات ترجمه*، س ۲، ش ۵، صص ۴۹ - ۳۱.
- 13 - Cvilikaite, J. (2006). Lexical gaps. Resolution by functionally complete units of translation. *Darbai ir Dienos*, 127 - 142.



- 14 - Darwish, A. (2010). *Elements of translation*. Melbourne : Writescope.
- 15 - Eco, U. Dire Presque la meme chose. *Experience de traduction*. Milan: Grasset and Fasquelle. (2006).
- 16 - Herve, S.H. (1992). *Thinking Translation*. London & New York : Routledge.
- 17 - Hulpke.A. (1991). Constructing transitive permutation groups. *Journal of Symbolic Computation*, 38(1), 1 - 30. Retrieved January 2005
- 18 - Lederer, M. *La traduction aujourd'hui*, Paris : Hachette - livre. (1994).
- 19 - Lehrer,A., 1974, *Semantic fields and lexical structure*. Amsterdam/ London/ New York.
- 20 - Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*.Hemel Hempstead :Prentice Hall .
- 21 - Nida ,E.A. (1964)*Toward a Science of Translating* .Leiden : A.J.Brill
- 22 - Orudari,M. (2007). Translation procedures, strategies and methods. *Translation Journal*, 11, 27 - 43.
- 23 - Plotkin, H. (2001). Some Elements of a Science of Culture. In : Whitehouse, Harvey (ed.), *The Debated Mind. Evolutionary Psychology versus Ethnography*. Oxford, New York : Berg, 91-109.
- 24 - Paluszkiewicz - Misiaczek, M. (2005). Strategies and methods in dealing with culture specific expressions on the basis of Polish — English translations of certain administrative and institutional terms. *Theory and Practice in English Studies*, 3, 243 - 248.
- 25 - Salehi,M. (2012)."Reflections on Culture,Language and Translation".*Journal of Academic and Applied Studies*, 2(5).
- 26 - Teilanyo, D. I. (2007). Culture in translation : The example of J.P. Clark's The Ozidi Saga. *Babel*, 1 - 21. doi :DOI:10.1075/babel.53.1.02tei.